

آغاز و انجام سیاست خاورمیانه‌ای نومحافظه‌کاران آمریکا

ایوب پورقیومی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۱۲/۱۸

تاریخ تأیید مقاله: ۸۸/۲/۷

صفحات مقاله: ۱۲۳-۱۴۹

چکیده

سیاست مبتنی بر هژمون‌گرایی یک‌جانبه نومحافظه‌کاران آمریکا، در سایه تحولات خاورمیانه دچار تغییرات قابل توجه گردید. حرکت به سمت گفتگو با قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و تعامل بیشتر با کشورهای میانه‌رو، که نمود آن در مسئله امنیت عراق و برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران قابل ملاحظه بود، در همین راستا قابل ارزیابی است. پس از جنگ لبنان و ناکامی طرح خاورمیانه جدید، آمریکا برای مقابله و مهار قدرت ایران به سیاست مهار و جنگ کم‌شدت، تقویت قابلیت‌های اهل سنت در مقابل شیعیان و تلاش برای ایجاد قطب جدید قدرت متشکل از اسرائیل و کشورهای دنباله‌رو آمریکا در منطقه روی آورده و تلاش‌هایی را برای عادی‌سازی مناسبات اعراب و اسرائیل آغاز نموده است.

* * * * *

کلید واژگان

یازده سپتامبر، هژمون‌گرایی آمریکا، طرح خاورمیانه بزرگ، طرح خاورمیانه جدید، جنگ ۳۳ روزه لبنان، قطب جدید قدرت.

۱ - کارشناس ارشد مطالعات راهبردی و مدرس دانشگاه افسری امام حسین (ع)، دانشکده شهید مطهری.

مقدمه

خاورمیانه به عنوان یکی از حوزه‌های راهبردی، به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و دارا بودن ذخایر انرژی و منابع اقتصادی و حوزه‌های تمدنی و ایدئولوژیکی محل تلاقی منافع و منازعه میان قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای است و هر یک از بازیگران ذی‌نفع و تأثیرگذار تلاش می‌کند محیط و قواعد بازی را به گونه‌ای مدیریت کند که حداکثر منافع خود را در منطقه تضمین کند.

دولت بیل کلینتون بر دمکراسی تأکید و منافع تجاری آمریکا و ترغیب به برقراری صلح در خاورمیانه در اولویت سیاست خارجی کابینه وی قرار داشت. به دلیل اهمیت و موقعیت منحصر به فرد خلیج فارس و خاورمیانه، طرح امنیتی کلینتون در قبال آن، توسط مارتین ایندیک، عضو عالی‌رتبه شورای امنیت ملی آمریکا و دستیار کلینتون در امور خاورمیانه، با عنوان مهار دوگانه بیان شد. محور اصلی این سیاست، انزوای ایران و عراق، ترغیب به صلح میان اعراب و رژیم اشغالگر قدس و جلوگیری از دسترسی کشورهای منطقه به تسلیحات هسته‌ای اعلام گردید.

بوش پسر پس از روی کار آمدن، دوره دموکرات‌ها را به هشت سال مگس‌پرانی بیهوده تعبیر کرد و این نشان‌های از تغییرات قابل توجه در سیاست خارجی آمریکا در دوره جدید بود تا اینکه حادثه ۱۱ سپتامبر به وقوع پیوست و فرصتی مناسب در اختیار نومحافظه‌کاران^۱ آمریکا قرار داد تا برای کنترل روابط

۱ - نومحافظه‌کاران جناح کم‌تعداد اما با نفوذ در داخل حزب جمهوری‌خواه آمریکا است. این گروه در اواسط دهه ۱۹۹۰ در پی رویکرد لیبرالیستی بیل کلینتون اعلام موجودیت کردند. بیانیه «پروژه قرن جدید» ایالات متحده که در ژوئن ۱۹۹۷ منتشر شد انجیل نومحافظه‌کاران در ایالات متحده آمریکا به شمار می‌آید. نومحافظه‌کاران همانند جناح‌های سنتی حزب جمهوری‌خواه از دولت حداقل و تقویت پایه‌های تجارت آزاد جانب‌داری می‌کنند، اما نگرش انزواطلبانه جناح سنتی حزب را رد می‌کنند. آنان همچنین با رویکرد بین‌الملل‌گرایانه جمهوری‌خواهان میانه‌رو که جورج هربرت واکر بوش سبیل آن به شمار می‌آید مخالف

بین‌الملل و تثبیت هژمونی خود، در جهت مدیریت منطقه حساس خاورمیانه برنامه‌ریزی کنند، لذا سیاست خارجی ایالات متحده دچار چرخشی اساسی از راهبرد بازدارندگی (۱۹۹۰-۱۹۴۵) و ابهام راهبردی (۱۹۹۰-۲۰۰۱) به راهبرد حمله پیش‌دستانه و جنگ پیش‌گیرانه گردید.

پس از حمله به افغانستان، طرح خاورمیانه بزرگ با شعار دموکراسی‌سازی مطرح، اما این طرح در اجرا با مشکل روبرو شد. سپس سیاست خود را بر پروژه خاورمیانه جدید و با هدف مقابله با بیداری اسلامی به محوریت ایران قرار دادند و در اجرای این راهبرد، آمریکا تصمیم گرفت در گام نخست یکی از بازوهای مهم ایران یعنی حزب‌الله لبنان را از میان بردارد. فارغ از بهانه رژیم صهیونیستی در حمله به لبنان مبنی بر تلاش برای آزادی دو نظامی اسیر این کشور، گستردگی تهاجم و آمادگی این رژیم از یک سو و مطالب مطرح شده توسط برخی افراد مطلع^۱ و گزارش کمیته وینوگراد از دیگر سو بیانگر این واقعیت است که این

هستند. بکارگیری ابزار قدرت در حل منازعات بین‌المللی و اجرای مشروط تعهدات جهانی آمریکا از جمله اصول اصلی نومحافظه‌کاران در عرصه سیاست خارجی و امنیتی است. افرادی چون ایروین کریستول، نورمن پات‌هورز، داگلاس فیت، فرانک گافنی، الیوت ابرامز، رابرت کیگان، لوئیس لیبی، پل ولفوویتز، ویلیام کریستول، مایکل لیدن و فرانسیس فوکویاما از شخصیت‌های مهم این جریان به شمار می‌روند. انستیتو هادسون، مرکز بررسی سیاست‌های امنیتی، مرکز اخلاق و سیاست‌های عمومی، مرکز مطالعات عالی استراتژیک و علوم سیاسی و امریکن انترپرایز از مهم‌ترین مؤسسات وابسته به نومحافظه‌کاران هستند که نقش فعال و حساسی در تعیین سیاست خارجی آمریکا ایفا کرده‌اند. از نکات مهم در دیدگاه آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: اولویت قدرت نظامی و زور و بی‌توجهی به نهادهای بین‌المللی؛ باور به ایجاد امپراتوری جهانی بر پایه ارزش‌های ملی - مذهبی نئوکانیسم آمریکایی؛ اعتقاد به رسالت الهی و لزوم سلطه فرهنگی؛ اعتقاد به سیطره جهانی توأم با خیرخواهی؛ ارزش‌گرایی و تقسیم جهان به خیر و شر و اعتقاد تام به لیبرال دموکراسی آمریکایی.

۱ - ر.ک به:

Hersh, Seymour (2006) Washington's interests in Israel's war, august 21, 2006, www.newyorker.com/archive/2006/08/21/060821fa_fact?Printable=true

جنگ در راستای تثبیت هژمونی و سلطه آمریکا در منطقه و جهان، از پیش طراحی شده و آمریکا و رژیم صهیونیستی مترصد بهانه‌ای برای آغاز آن بودند. پیروزی حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه، تحقق اهداف میلیتاریستی نومحافظه‌کاران آمریکا و سیاست‌های مبتنی بر هژمون‌گرایی یک‌جانبه را با مشکلات اساسی مواجه کرد. این مسائل موجب شد که مباحثی جدی نزد تحلیل‌گران و سیاستمداران منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح شود. یکی از این مباحث، به این امر مربوط می‌شود که موارد پیش گفته چه تأثیری بر سیاست خاورمیانه‌ای نومحافظه‌کاران آمریکا داشته و در پایان عمر دولت بوش سیاست‌های نومحافظه‌کاران چگونه و تا چه میزان تغییر نموده است؟ این مقاله به دنبال پاسخی برای این پرسش و سایر سؤالات مرتبط با آن است.

مهم‌ترین سیاست‌های راهبردی نومحافظه‌کاران در خاورمیانه

ایالات متحده آمریکا در هزاره سوم با یک «استراتژی تهاجمی»^۱ و در چهره یک بازیگر «حداکثرگرا»^۲ در صحنه روابط بین‌الملل ظاهر گردیده است. (دهشیار، ۱۳۸۶: ۵۵) اداره جهان توسط آمریکا در قالبی یک‌جانبه‌گرایانه و بر مبنای هژمونی جهانی^۳ امری است که سیاستمداران و دولتمردان این کشور به دنبال تحقق آن هستند، به گونه‌ای که غالباً قدرت سخت‌افزاری و در ابعاد کوچک‌تر و کمتر قدرت نرم‌افزاری برای حفظ منافع و ترویج لیبرال دموکراسی، همواره مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. (چالمرز، ۱۳۸۴: ۲۱)

کسینجر معتقد است که ایالات متحده، در آغاز قرن ۲۱ از چنان تفوق و

1 - Offensive strategy

2 - Maximizer

3 - Global Hegemony

برتری در تمامی زمینه‌ها از جنگ‌افزار و تسلیحات نظامی گرفته تا تجارت و بازرگانی، علوم، فناوری، آموزش عالی و فرهنگ عمومی، برخوردار است؛ که مهم‌ترین امپراتوری‌های گذشته نیز، هم‌تا و نظیر آن نبوده‌اند و موقعیت ممتاز این کشور در دهه پایانی قرن ۲۰ موجب شده تا به جز اجتناب‌ناپذیر ثبات بین‌المللی تبدیل شود. (کسینجر، ۱۳۸۳: ۱۱) حادثه ۱۱ سپتامبر فرصت ارزشمندی به دولت آمریکا داد تا با تحرک بخشیدن به بخش نظامی و نوعی فرافکنی، ضمن اینکه خود را از بحران‌های داخلی بویژه بحران رکود اقتصادی بیرون می‌آورد (محمدی، ۱۳۸۲: ۱۶۵) در راستای سلطه و سیطره بر مناطق حساس جهان از جمله خاورمیانه و تلاش برای کنترل روابط بین‌الملل تلاش نماید. در ادامه مهم‌ترین سیاست‌های راهبردی نومحافظه‌کاران در خاورمیانه را مورد بررسی و تحلیل قرار خواهیم داد.

۱ - حمله به افغانستان و رهبری ائتلاف مبارزه با تروریسم

پس از فروپاشی شوروی و نابودی ساختار دو قطبی روابط بین‌الملل، قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آمریکا بیش از پیش رشد کرد (ایکنبری، ۱۳۸۲: ۴۰۴) و فاصله این کشور با رقبایش بیشتر شد. حادثه ۱۱ سپتامبر نیز یک فرصت طلایی در اختیار نومحافظه‌کاران آمریکا قرار داد تا «مقابله با بنیادگرایی اسلامی» (امینی، ۱۳۸۳: ۶۰) و «جنگ با تروریسم» (کیوان‌حسینی، ۱۳۸۱: ۱۱) را اصل سامان‌دهنده سیاست خارجی خود قرار داده و سیاست خارجی خود را بر خاورمیانه متمرکز نمایند. لذا از طریق توسل به حربه‌های سخت‌افزاری نظامی، امنیتی و اطلاعاتی، تغییرات بنیان‌کن در دولت‌ها و سپس هنجارسازی در نظم مطلوب، اهداف خود را دنبال نموده (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۳-۶۴) و با حربه مبارزه با تروریسم و با طرح‌هایی چون «دموکراسی‌سازی»، «دولت‌سازی» و «ملت‌سازی» در خاورمیانه در پی ایجاد تغییرات مورد نظر خود برآمدند.

این حادثه تأثیرات عمده‌ای بر روابط بین‌الملل داشت که از جمله آن‌ها می‌توان به تشکیل ائتلاف بین‌المللی جهت تحقق خواسته‌های ایالات متحده اشاره کرد. پس از وقوع این حادثه سازمان ملل متحد با صدور قطعنامه ۱۳۶۸ در ۱۲ سپتامبر و قطعنامه ۱۳۷۳ در ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۱ موضع خود را براساس فصل هفتم منشور ملل متحد اعلام نمود. قطعنامه ۱۳۶۸ توسل به زور را برای کلیه کشورها و دولت‌ها در راستای مقابله با تروریسم مجاز دانسته و قطعنامه ۱۳۷۳ ابزارهای قابل استفاده برای این مبارزه را مشخص و تعریف کرد. پس از اعلام موضع رسمی سازمان ملل، ائتلافی بین‌المللی برای برخورد با تروریسم شکل گرفت و ایالات متحده در قالب استراتژی «حمله پیش‌گیرانه» مجوز ضمنی برای حمله به افغانستان را از شورای امنیت کسب نمود. همراهی اتحادیه اروپا و ناتو و مهم‌تر از آن همکاری کشورهای چینی، پاکستان، ازبکستان و تاجیکستان در قالب واگذاری پایگاه نظامی به ایالات متحده و همچنین عدم مخالفت روسیه با حضور آمریکا در آسیای مرکزی، از مصادیق بارز این همکاری بین‌المللی بود. (بیگدلی، ۱۳۸۵، noormages.com)

سرانجام در چنین شرایطی آمریکا با شعار مبارزه با تروریسم به افغانستان حمله و با کمک اتحاد شمال حکومت طالبان را ساقط (سعید، محمدقدری و سعید عبدالمنعم، ۱۳۸۵: ۸۶) و امنیت این کشور را به ناتو واگذار نمود، اما پس از گذشت سال‌ها از اشغال افغانستان، تاکنون از تأمین امنیت و برقراری ثبات در این کشور عاجز مانده و ناچار به تغییر سیاست خود در مقابل گروه طالبان گردیده و از سپتامبر ۲۰۰۸ با وساطت عربستان سعودی طرح صلح و گفتگوی دولت کابل با طالبان را مطرح کرده و حاضر به مشارکت این گروه تروریستی در دولت افغانستان گردیده‌اند. (پورقیومی، ۱۳۸۷، basijnews.ir) در واقع نومحافظه‌کاران آمریکا و متحدانشان، در نخستین میدان کارزار با تروریسم از رسیدن به هدف ناکام مانده و سرانجام مجبور به پذیرش جریانی در صحنه

قدرت افغانستان گشته‌اند که روزی با علم مبارزه با تروریسم و به کمک شورای امنیت به مقابله با آن برخاسته بودند.

۲ - حمله به عراق و طرح خاورمیانه بزرگ

طرح مقابله با رژیم صدام پیش از ۱۱ سپتامبر در دستور کار دولت بوش قرار داشت، اما از اجماع کامل نزد مقامات مختلف برخوردار نبود. واقعه ۱۱ سپتامبر موجب شد که نظر دولت از اجماع عمومی مناسب در داخل آمریکا برخوردار گردد. (صداقت، ۱۳۸۴: ۱۹۸) پس از موفقیت اولیه آمریکا و غرب در صحنه نبرد با طالبان به عنوان نماد تروریسم بین‌الملل، نومحافظه‌کاران که سرمست از غرور پیروزی در افغانستان بوده و به زعم خود به دنبال حل همزمان چهار کانون بحران در منطقه یعنی افغانستان، ایران، عراق و فلسطین بودند، در سیاستی یک‌جانبه‌گرایانه و بدون توجه به افکار عمومی و بین‌المللی از جمله مخالفت‌های روسیه، آلمان و فرانسه، در مارس ۲۰۰۳ به عراق حمله نموده و حکومت صدام را ساقط و دموکراسی‌سازی اجباری را در قالب طرح خاورمیانه بزرگ، در پیش گرفتند. آن‌ها با طرح دکترین جنگ پیش‌دستانه، تنها راه مقابله با تهدیدات جدید را پیشگیری و پیش‌دستی و مهندسی اجتماعی و ملت‌سازی در قالب طرح خاورمیانه بزرگ می‌دانستند. (امینیان، ۱۳۸۶: ۲۲۱)

کاخ سفید برای اجرای طرح خاورمیانه بزرگ اقداماتی را به عمل آورد که از جمله این اقدامات می‌توان به تلاش برای ایجاد اجماع جهانی حول محور آمریکا برای مبارزه جهانی با تروریسم، همراه نمودن افکار عمومی جهانیان با سیاست‌های میلیتاریستی آمریکا، مشروعیت بخشیدن به اقدامات سخت‌افزاری و نظامی، ترسیم چهره منجی‌گرایانه از آمریکا و تولید قدرت نرم برای این کشور اشاره نمود.

آمریکا در چارچوب طرح خاورمیانه بزرگ و با هدف بازگشت به دوران سیطره و هژمونی^۱ خود، سعی داشت به بهانه مبارزه با تروریسم و با اتهام غیردموکراتیک خواندن کشورهای مخالف، نوعی اصلاحات سیاسی، دفاعی و تحمیلی را با اعمال فشار برای تغییر رژیم‌ها و نظام‌های سیاسی منطقه به شکلی پدر سالارانه عملی نماید. (دهشیری، ۱۳۸۳: ۱۲۰) برآورد اشتباه ایالات متحده از منطقه و مسائل آن از جمله مقاومت ملت‌ها در مقابل تلاش برای تحمیل الگوهای ناهمگون با فرهنگ آنان، به همراه برخی چالش‌ها و موانع عمده دیگر از جمله بی‌ثباتی ناشی از تغییر در ساختار حکومت‌ها، مشکلات شکل‌گیری جامعه فرهیخته، مشکلات شکل‌گیری اقتصاد آزاد، به خطر افتادن امنیت انرژی غرب، مقاومت و بیداری اسلامی، ملی‌گرایی و قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای موجب ناکامی این طرح گردیدند. در مجموع مهم‌ترین مشکلات آمریکا در منطقه خاورمیانه عبارتند از: ضدآمریکایی شدن مردم منطقه تحت تأثیر ابعاد سیاسی اسلام؛ مقاومت در برابر پذیرش ارزش‌های لیبرالیستی؛ اقتدار حکومت‌های دودمانی و عدم وابستگی آن‌ها به مردم و احساس تحقیر مردم منطقه از قضیه فلسطین. (امینیان، ۱۳۸۳: ۱۱-۱۰)

در طرح خاورمیانه بزرگ آمریکایی‌ها درصدد بودند با ساقط کردن دولت‌های (به زعم خود) شرور، دولت‌های همراه با خود را جایگزین آنان نمایند، اما دیری نگذشت که متوجه شدند پروژه دولت‌سازی نه تنها به شکل‌گیری و روی کار آمدن دولت‌های هم‌سو نمی‌انجامد، بلکه فرصتی را برای اسلام‌گرایان فراهم می‌سازد تا با استفاده از آن، بصورت دموکراتیک به قدرت برسند. پیروزی مجاهدین افغان و تشکیل مجلس قانون‌گذاری اسلامی در

۱ - در طول تاریخ نظام جهانی، سه دولت به هژمونی دست یافته‌اند؛ هلند در نیمه سده هفدهم، بریتانیا نیمه قرن نوزدهم و ایالات متحده نیمه قرن بیستم (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۱۳۳).

افغانستان، پیروزی ائتلاف یکپارچه در عراق و روی کار آمدن دولت اسلامی، پیروزی حزب‌الله در انتخابات پارلمانی لبنان و مشارکت در دولت این کشور، پیروزی حماس در فلسطین و...، طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا را در اولین گام خود با مانع بسیار بلندی مواجه ساخت و معادلاتی را در منطقه رقم زد که از آن، به عنوان خاورمیانه اسلامی یاد می‌شود و این مهم نه تنها با اهداف و راهبردهای خاورمیانه‌ای آمریکا مغایرت داشت، بلکه منافع آنان را نیز به خطر می‌انداخت. در سایه این مسائل و ناکامی آمریکا از برقراری امنیت و ثبات در عراق و ایجاد دولت سرمشق در خاورمیانه، تلاش نومحافظه‌کاران در این وادی نیز چندان راه به جایی نبرد و از سوی دیگر افزایش قدرت منطقه‌ای ایران موجب گردید که هیئت حاکمه آمریکا پرده دیگری از سیاست‌های خاورمیانه‌ای خود تحت عنوان طرح خاورمیانه جدید را با برنامه‌ریزی حمله اسرائیل به حزب‌الله لبنان رونمایی کند.

۳) جنگ ۳۳ روزه لبنان و طرح خاورمیانه جدید

آمریکا در فاز نرم‌افزاری طرح خاورمیانه بزرگ بر این عقیده بود که می‌تواند با توسعه الگوی دموکراسی خود بر مشکلات منطقه فائق آید، اما به دلیل برآورد اشتباه از مسائل منطقه، این سیاست به قدرت‌یابی اسلام سیاسی و بیداری اسلامی منتهی شد. از آنجا که آمریکا به این نتیجه رسیده بود که ریشه همه این مشکلات در ایران است و از طرفی نمی‌خواست ریسک مقابله نظامی، (بدون تضمین لازم برای اخذ نتیجه) را در مقابل ایران بپذیرد، در سطحی محدودتر (جنگ لبنان) این مسئله را به محک آزمون گذاشت. در واقع آمریکا بدون توجه به افکار عمومی داخلی و بین‌المللی به صورت یک‌جانبه وارد فاز سخت‌افزاری و نظامی‌گری گردید.

طرح خاورمیانه جدید ادامه طرح خاورمیانه بزرگ،^۱ اما با رویکردی سخت‌افزاری و در حوزه سیاست عالی بود. تغییر در اولویت‌بندی سیاست‌های آمریکا از حوزه سیاست عادی و نرم (مبتنی بر دموکراسی‌سازی و حقوق بشر و... در طرح خاورمیانه بزرگ) به رویکرد مجدد به نظامی‌گری یک‌جانبه در محدوده خاورمیانه عربی و ایران، از جمله مسائل قابل توجه در بیان علل جنگ لبنان است. در اوایل جنگ ۳۳ روزه سیاست «خاورمیانه جدید» توسط رایس^۲ اعلام شد. وی در پاسخ به خبرنگار هفته نامه نیوزویک درباره تلفات انسانی و حجم وسیع ویرانی‌های لبنان گفته بود: جنگ لبنان و پیامدهای آن، درد زایمان برای تولد خاورمیانه جدید است. (مرشدی، ۱۳۸۵، jamejamonline.ir) این گفته، نشان می‌دهد که در خاورمیانه جدید حمله نظامی و تخریب گسترده از جمله ابزارها و اولویت‌های غیرقابل اغماض است. سیمور هرش هم در مجله نیویورکر جنگ لبنان را مقدمه‌ای برای حمله به ایران دانسته بود.^۳

از مهم‌ترین اهداف کشورهای غربی برای شکل‌دهی و تثبیت مهندسی امنیتی جدید منطقه خاورمیانه، تلاش در جهت ایجاد اجماع نسبی برای مهار و نابودی جنبش‌های اسلامی یا حداقل تبدیل آنان به یک نهاد سیاسی است که این امر در طرح خاورمیانه جدید دنبال می‌شود. در این طرح ایالات متحده با تأکید بر سه مقوله رادیکالیسم اسلامی، تروریسم و تسلیحات کشتار جمعی و ترسیم

۱ - برای اطلاع بیشتر از واقعیت‌های این طرح، رک به:

- حسینی، حسن (۱۳۸۳) طرح خاورمیانه بزرگ‌تر؛ القاعده و قاعده در راهبرد امنیت ملی آمریکا (تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر).

- یونسین، مجید (۱۳۸۵) کتاب خاورمیانه ۵ ویژه اصلاحات در خاورمیانه (تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر).

۲ - وزیر امور خارجه وقت آمریکا.

3 - Hersch, 2006, www.newyorker.com.

تصویر مجازی و غیرواقعی از طریق رسانه‌ها، می‌کوشد تا زمینه‌های شکل‌گیری اجماع نسبی در نظام بین‌المللی را علیه جنبش‌های اسلامی، مانند حزب‌الله و حماس و کشورهای مستقل مانند ایران فراهم سازد. (دلورپور اقدام، ۱۳۸۶، aftab.ir) با توجه به بن‌بست پیش آمده برای آمریکا در عراق و ناکامی در ایجاد دولت سرمشق بر مبنای دموکراسی آمریکایی و از آنجا که آن‌ها این مشکل خود را به جریان بیداری اسلامی با محوریت ایران منتسب می‌کردند، با تغییر تاکتیک و اتخاذ راهبرد سخت‌افزاری، طرح خاورمیانه جدید را برای خروج از بن‌بست و فائق آمدن بر مشکلات خود طراحی نمودند. پس از موفقیت اسلام سیاسی در فرایند دموکراسی‌سازی در خاورمیانه و نقش محوری ایران در شکل‌گیری و قدرت‌یابی بیداری اسلامی، آمریکا و اسرائیل با بزرگ‌نمایی خطر قدرت‌یابی شیعیان در منطقه و طرح هلال شیعی، حکومت‌های عربی را با خود همراه نموده و طرح حمله به حزب‌الله لبنان را به عنوان گام نخست برای قطع بازوان منطقه‌ای ایران ساماندهی و اجرا نمودند. اما نتایج خیره‌کننده مقاومت لبنان در جنگ ۳۳ روزه سبب شد هیمنه نظامی اسرائیل شکسته شده و نظامی‌گری نومحافظه‌کاران آمریکا، در فاز سخت‌افزاری خاورمیانه جدید نیز با شکست مواجه شود. تحلیل‌گران معتقدند شکست اسرائیل - که به نیابت از آمریکا برای تحقق خاورمیانه جدید با حزب‌الله می‌جنگید - باعث شد این سیاست با شکست مواجه گردد. (سالمان، ۱۳۸۵، خبرگزاری مهر) و آمریکا به این نتیجه برسد که شکل‌دهی خاورمیانه جدید خارج از مرزهای منطقه دشوار است. (هاس، ۱۳۸۵: ۵) لذا باید برای تحقق اهداف خود به شیوه دیگری متوسل گردد. از اینجا بود که نومحافظه‌کاران آمریکا برای مهار ایران، به شکل‌دهی قطب جدید قدرت با ائتلاف متحدین میانه‌رو خود در منطقه روی آوردند.

پیامدهای ناکامی آمریکا در خاورمیانه

همانگونه که ذکر شد، عوامل مختلفی موجب ناکامی و عدم موفقیت سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا گردیدند. از آنجا که آثار و پیامدهای این مسئله قابل توجه است، در ادامه تغییرات پدید آمده در این زمینه را بررسی خواهیم کرد.

۱- بازگشت به همکاری و گفتگو با سایر بازیگران

شکست اسرائیل و آمریکا در لبنان موجب شد چرخشی آشکار در موضع جنگ‌افروزانه ایالات متحده به سمت گفتگو با قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای از یک سو و تعامل بیشتر با کشورهای میانه‌رو از سوی دیگر به وجود آید. پس از صدور گزارش بیکر - همیلتون که در آن بر لزوم مذاکره با ایران و سوریه برای برقراری آرامش در عراق تأکید شده بود، دموکرات‌ها برای اجرای مفاد این گزارش بر دولت بوش فشار آوردند. اولین نتیجه این فشار برکناری رامسفلد^۱ وزیر دفاع سابق و انتخاب گیتس^۲ به جای وی بود. مؤید دیگر این چرخش در سیاست آمریکا، سفر نانسی پلوسی^۳ به سوریه و همزمان اظهارنظرهای دموکرات‌ها مبنی بر لزوم همکاری و گفتگو با ایران و سوریه بود^۴. توجه بوش به تحمل سایر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی و سازمان ملل در عراق مانند پذیرش نقش جدید فرانسه در عراق و تصمیم به اعزام تعدادی نیروی فرانسوی در

۱- از نومحافظه‌کاران و طراحان جنگ عراق و معتقدین به برخورد نظامی در قالب دکترین شوک و بهت (Shock&Awe).

۲- وی از نزدیکان بیکر و همیلتون است.

۳- رئیس مجلس نمایندگان آمریکا.

۴- (www.kaariz.com، ۱۳۸۶/۱/۲۳).

پوشش مساعدت در فرایند سیاسی - امنیتی عراق را می‌توان در همین راستا ارزیابی کرد. (هادوی، ۱۳۸۶: ۱) در واقع، به بن‌بست رسیدن آمریکا در عراق و ناکامی سیاست‌هایش در لبنان باعث شد آمریکا از سیاست یکجانبه‌گرایی ناشی از غرور پیروزی در افغانستان و عراق فاصله گرفته و تلاش نماید با سازمان ملل و قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای تعامل بیشتری داشته باشد.

همانطور که ریچارد هاس می‌گوید؛ دوران تسلط ایالات متحده بر خاورمیانه پایان یافته و دوران جدیدی در تاریخ این منطقه حساس و مهم آغاز شده است و به دلیل ظهور و فعالیت بازیگران جدید و نیروهای جدیدتر که برای نفوذ بیشتر بر منطقه با هم در حال رقابت هستند، واشنگتن برای تسلط مجدد بر این منطقه مجبور است به جای تکیه بر قوه قهریه و نیروی نظامی، بیشتر روی دیپلماسی تکیه و سرمایه‌گذاری کند. (هاس، 2006، mydocument.ir)

انتشار گزارش بیکر - همیلتون و تأکید آن بر لزوم مذاکره با ایران و سوریه برای حل مشکل عراق و به دنبال آن سفرهای مکرر مقامات آمریکایی به منطقه، برگزاری کنفرانس بغداد، نشست شرم‌الشیخ، نشست استانبول، انجام چند مرحله مذاکره آمریکا با ایران درخصوص مسئله عراق و... نشان می‌دهد که آمریکا در منزوی کردن ایران و سوریه شکست خورده و نمی‌تواند برای حل مشکلات منطقه به قدرت‌های تأثیرگذار در منطقه اعتنا نکند؛ این امر به معنای تردید در یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در منطقه است.

برگزاری نشست شرم‌الشیخ^۱ مصر که بزرگ‌ترین نشست منطقه‌ای بین‌المللی

۱ - در این نشست که در روزهای ۳ و ۴ می ۲۰۰۷ (۱۳ و ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۶) برگزار شد، علاوه بر ایران، سوریه عربستان سعودی، ترکیه و کویت به عنوان همسایگان عراق، نمایندگان از مصر، بحرین، اتحادیه اروپا، سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه عرب، پنج عضو دائم شورای امنیت، دبیرکل سازمان ملل، کشورهای صنعتی جهان، موسوم به گروه ۸، ایتالیا، کره جنوبی و برخی از کشورها و سازمان‌های دیگر حضور داشتند.

پیرامون عراق پس از صدام بود و هدف آن رسیدن به توافقات و یافتن راهکارهایی برای برقراری ثبات و امنیت در عراق و هم‌چنین تسریع روند بازسازی اقتصاد این کشور عنوان شد، در حقیقت در چارچوب راهبرد جدید ایالات متحده در منطقه خاورمیانه بویژه درخصوص عراق، پس از انتشار گزارش بیکر - همیلتون و افزایش فشارهای داخلی آمریکا برای خروج از عراق بود. ایالات متحده با برگزاری این نشست، پذیرفت که حل بحران عراق راه‌حلی نظامی و یک‌جانبه ندارد و برون رفت از آن مستلزم مشارکت فعال و سازنده جامعه جهانی بویژه همسایگان بغداد است. (خسروی، ۱۳۸۶، rissna.ir) حضور کشورهای ایران و سوریه نشان از این واقعیت دارد که حل مشکلات منطقه، بدون همکاری و گفتگو با سایر بازیگران امکان‌پذیر نیست.

در آگوست ۲۰۰۷ تلاش‌های آمریکا و انگلیس در شورای امنیت منجر به صدور قطعنامه‌ای شد که خواستار ایفای نقش بیشتر سازمان ملل^۱ در عراق شده بود.^۲ برگزاری نشست وزرای خارجه کشورهای همسایه عراق، سازمان ملل متحد، اعضای دائم شورای امنیت، کشورهای گروه هشت و برخی کشورهای دیگر در ترکیه^۳ با هدف کمک به حل مشکل امنیت در عراق و هم‌چنین توافقنامه خروج نیروهای آمریکایی از عراق^۴ پس از هفت مرتبه تغییر در پیش‌نویس آن نیز گواهی دیگر بر این امر بود که نومحافظه‌کاران آمریکا تحت تأثیر تحولات خاورمیانه به تدریج از یک‌جانبه‌گرایی فاصله گرفته و تلاش دارند رضایت

۱ - سازمان ملل در سال ۲۰۰۳ یعنی اندکی پس از حمله آمریکا به عراق، نیروهای خود را در پی کشته شدن سرجیو ویرا دو میلوو رئیس هیات سازمان ملل و ۲۲ تن دیگر از کارکنان این سازمان از عراق خارج کرد.

۲ - (www.etemaad.com، ۱۳۸۶/۷/۲).

۳ - نشست استامبول در ۱۱ آبان ۱۳۸۶.

۴ - این توافقنامه در اواخر آبان ۱۳۸۷ به امضای نمایندگان دولت‌های آمریکا و عراق رسید و در هنگام نوشتن این مقاله مجلس عراق مشغول بررسی آن برای اظهارنظر می‌باشد.

دولت‌ها و قدرت‌های منطقه‌ای و سازمان‌ها و قدرت‌های بین‌المللی را جلب نمایند. این آخرین شانس آنان برای بازسازی وجهه خود و کشورشان در سطح بین‌المللی بود، امری که منجر به شکست یک‌جانبه‌گرایان در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا گردید و مردم این کشور با اقبال قابل توجه به شعار «تغییر» باراک اوباما، پشتیبانی اجتماعی در سطح افکار عمومی داخلی آمریکا از این رویکرد را نشان دادند.

برنامه هسته‌ای ایران نیز یکی دیگر از چالش‌های اصلی آمریکا در خاورمیانه است. صرف‌نظر از تبلیغات رسان‌های غرب در زمینه حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران، نخبگان و برخی مقامات سیاسی آمریکا بر مسیر دیپلماتیک تأکید نموده‌اند.

۲ - تعامل با حکومت‌های میانه‌رو

پس از جنگ ۳۳ روزه تعامل با «حکومت‌های میانه‌رو» و متحد آمریکا در منطقه به عنوان سیاستی راهبردی از سوی آمریکایی‌ها دنبال می‌گردد و آن‌ها در کنار این مسئله برای تقویت قابلیت‌های اهل سنت در مقابل شیعیان تلاش می‌کنند. (Hersh, 2006) سیمور هرش از قول یک مقام بلندپایه سابق اطلاعاتی نوشت: «ما برنامه‌ای برای تقویت قابلیت سنی‌ها برای مقاومت در برابر قدرت شیعیان در دست داریم و تا جایی که بتوانیم پول خرج می‌کنیم.» (هرش، ۱۳۸۵، واحد مرکزی خبر) وی با اشاره به سیاست تقابل‌گرایانه آمریکا با شیعیان در سراسر منطقه و نزدیکی واشنگتن به برخی از طیف‌های خاص سنی می‌نویسد: «سیاست آمریکا و اقدامات علنی و پنهان این کشور علیه ایران و سوریه سبب شده است تا گروه‌های تندروی سنی که طرفدار القاعده هستند در خاورمیانه قدرت بگیرند.» (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۶/۳/۸) هرش در مورد تغییر استراتژی آمریکا می‌نویسد: «نومحافظه‌کاران برخلاف تصور نخستین خود درباره

خاورمیانه، که خطر اصلی را افراط‌گرایی تندروهای سلفی و نحله‌های دیگر سنی‌ها دانسته و برای مقابله با آن‌ها بر پتانسیل میانه‌روی در میان شیعه‌ها استفاده کرده و خواستار افزایش سهم آن‌ها در معادله قدرت در خاورمیانه بودند، اکنون دیگر این نظر را ندارند. افزایش نفوذ ایران و ارتباط تنگاتنگ شیعیان عراق و سایر کشورها با این کشور موجب تجدیدنظر نومحافظه‌کاران شده و ایالات متحده در صدد است با گسترش اختلاف سنی و شیعه، از آن به مثابه سد جدیدی در برابر گسترش نفوذ ایران سود جسته و منطقه را در دوره‌ای از درگیری‌های فرقه‌ای فرو برد.^۱ در حقیقت احساس خطر مشترک رژیم صهیونیستی و برخی کشورهای عربی از قدرت‌یابی شیعیان در منطقه موجب شده تا تلاش‌هایی پنهانی نیز برای نزدیکی و هماهنگی بیشتر این جریان صورت پذیرد.

۳- تلاش برای عادی‌سازی مناسبات اعراب و اسرائیل

پس از جنگ ۳۳ روزه، برقراری ارتباط اعراب و اسرائیل و عادی‌سازی مناسبات آن‌ها و فعال نمودن «طرح صلح عربی»^۲ نیز در دستورکار آمریکا و اعراب قرار گرفت. برگزاری کنفرانس صلح خاورمیانه (آنابولیس)، و حضور عربستان و اغلب کشورهای عرب منطقه در آن، تشکیل یک گروه کاری متشکل از ۱۰ کشور عربی به ریاست عمرو موسی دبیر کل اتحادیه عرب به منظور

1 - www.akhbar-rooz.com/article.jsp?essayId=8527.

۲ - این طرح، صلح دو مرحله‌ای را به اسرائیل و فلسطینی‌ها پیشنهاد کرده که بر اساس آن در مرحله اول اسرائیل باید تا مرزهای تعیین شده در سال ۱۹۶۷ عقب‌نشینی کند و در مرحله دوم آوارگان فلسطینی می‌توانند به هر نقطه‌ای از سرزمین‌های اشغالی که پیش از اشغال در آن ساکن بوده‌اند برگشته و در آن ساکن شوند. این طرح مبتنی بر قطعنامه‌های شورای امنیت بوده و امتیازهای مهمی را برای تل‌آویو به همراه دارد که از مهم‌ترین آن می‌توان به رسمیت شناخته شدن یک کشور مستقل برای یهودیان و پایان یافتن اختلاف‌های عمده با جهان عرب و برقراری روابط با آنها را ذکر کرد. (www.mehrnews.ir، ۱۳۸۶/۱/۲۰).

برقراری تماس با اسرائیل، گردهمایی وزرای خارجه ۱۲ کشور عربی^۱ برای تجدیدنظر در مناسبات اعراب و اسرائیل نیز از پیامدهای شکست رژیم صهیونیستی در جنگ ۳۳ روزه و تلاش آمریکا برای تأمین امنیت اسرائیل بود. هم‌چنین برگزاری مذاکرات سه جانبه صلح خاورمیانه در بیت المقدس با شرکت اولمرت و محمود عباس به میزبانی رایس و تأکید بر اجرای طرح نقشه راه یکی دیگر از فعالیت‌های کاخ سفید برای مهار تأثیر منفی تبعات جنگ ۳۳ روزه بر امنیت اسرائیل بود. (خبرگزاری رویترز، ۱۳۸۵/۱۱/۳۰) کارشناسان مسائل سیاسی برگزاری کنفرانس گفتگوی ادیان^۲ به میزبانی پادشاه عربستان و دعوت از رئیس رژیم صهیونیستی برای شرکت در این کنفرانس^۳ را نیز در راستای عادی‌سازی مناسبات اعراب و اسرائیل ارزیابی می‌کنند.

۴- رویکرد تجزیه‌سازی و تغییر در جغرافیای سیاسی منطقه

اگرچه برای تغییرات اساسی در جغرافیای سیاسی یک کشور و یا یک منطقه باید عوامل و شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی متعددی که زمینه‌ساز این مسئله است مهیا باشد، اما این رویکرد در شرایط فعلی حداقل برای سنجش نحوه واکنش مردم و مسئولان کشورهای منطقه مطرح گردیده است. تأملی در موارد زیر بیانگر سناریوی تجزیه‌سازی و تغییر در جغرافیای سیاسی خاورمیانه بر مبنای مؤلفه‌هایی چون قومیت، مذهب، نژاد و خون خواهد بود:^۴

۱ - در ۲۹ فروردین ۱۳۸۶.

۲ - این کنفرانس دو روزه، آبان ۱۳۸۷ در مقر سازمان ملل برگزار گردید.

۳ - <http://kayhannews.ir/۱۶/۸۷۰۸۲۲.htm#other۱۶۰۹>

۴ - ر.ک به: پورقیومی، ایوب، ۱۳۸۶، «طرح خاورمیانه جدید؛ اهداف، چالش‌ها و موانع»، مجله سیاست دفاعی، شماره پیاپی ۶۱، صص ۱۰۲-۱۰۸.

- رالف پیترز^۱ در مقاله‌ای به نام «مرزهای خون: خاورمیانه بهتر چه شکلی خواهد داشت؟»^۲ در مجله نیروهای مسلح آمریکا در شماره ژوئن ۲۰۰۶ به پیوست دو نقشه با عنوان بازسازی نقشه خاورمیانه، نقشه‌ای جدید را براساس سلطه آمریکا بر خاورمیانه طرح می‌کند.^۳ در این نقشه کشورهای منطقه با توجه به مسئله قومیت، تجزیه شده‌اند و تغییرات عمده‌ای در تقسیم‌بندی جغرافیای خاورمیانه به چشم می‌خورد.

- نشریه آمریکایی آتلانتیک در شماره دو ماهه ژانویه و فوریه ۲۰۰۸ به ضمیمه مقاله‌ای با عنوان «بعد از عراق؛ گزارشی از خاورمیانه جدید و نگاهی اجمالی به آینده ممکن» نقشه‌ای منتشر کرده است که در آن بخش غربی ایران به همراه بخش شرقی ترکیه، شمال عراق و شمال شرقی سوریه تجزیه و با نام کشور کردستان نشان داده شده است. بلوچستان نیز یک کشور مستقل شناخته شده و خوزستان هم از ایران جدا خواهد شد. در بخش‌هایی از نوشته جفری گولدبرگ آمده است: «کردها در عراق سال‌هاست که تحت ستم بوده‌اند. اما آن‌ها به خاطر آرزوهایشان روزی به استقلال خواهند رسید. اگر الان هم این امر تحقق نیابد روزی کشور کردستان محقق خواهد شد و آن روز گریزناپذیر است.»^۴ در این نقشه بخش‌های کم‌اهمیتی از افغانستان و عراق به ایران منضم شده‌اند.

- نوام چامسکی^۵ نیز با اشاره به مسئله قومیت‌ها در منطقه خلیج فارس و ایران می‌گوید: «قطعاً نیروهای آمریکایی در قسمت‌هایی از مرز ایران و عراق که

۱ - افسر بازنشسته ارتش آمریکا.

2 - Peters, Ralph (2006) Blood borders how a better Middle East would look, www.armedforcesjournal.com/2006/06/1833899.

۳ - نویهض الحوت، ۱۳۸۵، www.basirat.ir.

4 - Goldberg, 2008, www.theatlantic.com.

۵ - استاد دانشگاه ام‌آی‌تی و تحلیل‌گر مسائل خاورمیانه.

روبروی ایرانی‌ها هستند در تلاش برخواهند آمد تا در آنجا تلاشی برای تجزیه این منطقه صورت دهند.^۱ (چامسکی، ۱۳۸۵/۱۲/۶، خبرگزاری مهر)

- پیتر گالبرایت سفیر سابق آمریکا در کرواسی معتقد است که بهترین راه برای نجات ساکنان عراق و جان سربازان آمریکایی، تقسیم این کشور به سه منطقه قدرتمند شیعی، کرد و سنی و پایان عراق است.^۱

- طرح تقسیم عراق براساس شکاف‌های فرقه‌ای و مذهبی در ۶ مهر ۱۳۸۶ با کسب ۷۵ رأی موافق و ۲۳ رأی مخالف به امضای نمایندگان سنای آمریکا^۲ رسید. براساس این طرح، عراق به شیوه غیرمتمرکز و فدرالی اداره می‌شود و به سه منطقه اصلی کردنشین، شیعه‌نشین و سنی‌نشین تقسیم خواهد شد. این طرح با همکاری و کمک «لسلی گلب»^۳ تهیه شده است.

۵- تمایل به سیاست مهار و جنگ کم‌شدت با ایران

اگرچه نمی‌توان به طور قطعی از عدم حمله نظامی به ایران صحبت کرد و این امر تابع متغیرهای زیادی می‌باشد، اما نمی‌توان از تأثیر نتیجه جنگ لبنان بر تغییر سیاست آمریکا در قبال این کشور و افزایش تردیدها در موفقیت و کارآمدی شیوه‌های نظامی در برخورد با ایران چشم‌پوشی کرد.

پس از شکست طرح خاورمیانه جدید، در سیاست آمریکا در قبال ایران تغییرات قابل توجهی به وجود آمد، به گونه‌ای که مقامات بلند پایه این کشور تلاش دارند سیاست ایران‌هراسی را در منطقه دنبال نمایند. نامناسب بودن شرایط آمریکا برای اقدام نظامی علیه ایران و هم‌چنین مخالفت کنگره و افکار عمومی

1 - www.antiwar.ir, ۱۳۸۵/۸/۱۵

۲ - روزنامه کیهان، ۷ مهر ۱۳۸۶.

۳ - کارشناس دولت «جیمی کارتر» رئیس‌جمهور پیشین آمریکا و مدیر سابق شورای روابط خارجی این کشور.

آمریکا و عدم همکاری بین‌المللی و منطقه‌ای با این امر موجب شده تا آمریکا فضای تبلیغی و روانی رویارویی را در قالب جنگ سرد با ایران ایجاد نماید. بازگشت به سیاست مهار^۱ و جنگ کم‌شدت به جای سیاست رویارویی مستقیم با ایران و اقداماتی نظیر تحریم‌های اقتصادی، فشار منطقه‌ای در سایه تشکیل ائتلاف ضدایرانی، جنگ رسان‌های، تهدید و ارباب نظامی و اقدامات امنیتی، پیگیری نافرمانی مدنی، فعال‌سازی گسل‌های قومی، فرقه‌ای و مذهبی از مصادیق این سیاست است.

طرح پرده سبز هم یکی از راهبردهای نومحافظه‌کاران برای مقابله و مهار ایران بود. پل سالم^۲ درباره ماهیت و اهداف طرح بوش با عنوان «پرده سبز» برای مقابله و مهار ایران می‌گوید: «این طرح اعلان یک جنگ سرد است و شامل سیاست محدود نمودن و تضعیف دشمنان است، مدلی که در بین آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی به مدت ۴۰ سال حفظ شد.» هم‌چنین به نوشته، «رابین رایت»^۳ آمریکا در این طرح تلاش می‌کند یک نوع تقسیم‌بندی بین دشمنان و دوستان ایران برای مقابله با قدرت فزاینده این کشور در خاورمیانه ایجاد کند. بروس ریدل^۴ نیز از مانور ناوگان دریایی آمریکا، تأکید بر صدور قطعنامه علیه ایران و تخصیص بودجه ۷۵ میلیون دلاری و پیشنهاد بودجه ۱۰۸ میلیون دلاری، به عنوان ابزار آمریکا در طرح سبز یاد کرد. (اخبار و تحلیل‌ها، ۱۳۸۶/۵/۹، ۱-۲) این طرح با هدف جداکردن جهان عرب از ایران و مهار نفوذ و گسترش روزافزون اسلام سیاسی متأثر از جمهوری اسلامی در منطقه تدارک دیده شده است.

۱ - سیاست مهار ایران نخستین بار در دوره کلیتون توسط مارتین ایندیک طراحی شد.

۲ - کارشناس مؤسسه صلح کارنگی.

۳ - نویسنده واشنگتن پست.

۴ - عضو سابق سازمان سیا و شورای امنیت ملی آمریکا و از کارشناسان مؤسسه بروکینگز.

۶- افزایش تردید در کارآمدی حمله نظامی علیه ایران

ارزیابی آمریکایی‌ها این است که قدرت منطقه‌ای ایران تا آن حد فزونی یافته که عملاً به تعبیر رایس، تهران می‌تواند وسط منطقه خاورمیانه بایستد و از آمریکا باج بنخواهد. (محمدی، ۱۳۸۷: ۲)

ریچارد آرمیتاژ^۱ معتقد است پیروزی حزب‌الله بر قوی‌ترین نیروی نظامی منطقه یعنی ارتش اسرائیل این درس را به دنبال داشت که آمریکا و اسرائیل از حمله نظامی به ایران طرفی نخواهند بست. (Hersh, 2006) علاوه بر این موارد، مقامات برجسته دیگری از آمریکا نیز بارها مواضع مشابهی اتخاذ نمودند که امکان بیان آن در این مقاله نیست.

۷- تلاش برای ایجاد قطب جدید قدرت در منطقه

پس از جنگ ۳۳ روزه لبنان و ناکامی آمریکا و متحدین آن در تحقق اهداف خود از طریق جنگ در قالب طرح خاورمیانه جدید، آن‌ها تلاش می‌کنند تا با دشمن تراشی و بزرگ جلوه دادن تهدید ایران در منطقه، اتحادی را برای تشکیل نظام امنیتی جدید بر مبنای اتحاد کشورهای دوست و متحد آمریکا و ایجاد یک «قطب جدید قدرت» در منطقه با همکاری آمریکا، اسرائیل و رژیم‌های میانه‌رو عربی، با مقاومت و بیداری اسلامی به محوریت ایران مقابله کنند.

تصویب فروش ۲۰ میلیارد دلار سلاح به عربستان، مصر و پنج کشور حاشیه خلیج فارس از سوی آمریکا و تصمیم به کمک‌های نظامی ۳۰ میلیارد دلاری به اسرائیل و ۱۳ میلیارد دلاری به مصر طی ۱۰ سال آینده نیز حاکی از تقویت جریان‌های میانه‌رو و حمایت از استراتژی آمریکا در جهت مقابله با نفوذ ایران،

۱- معاون اسبق وزیر خارجه آمریکا در دوره اول ریاست جمهوری بوش.

سوریه و حزب‌الله است.^۱

افزایش فشارها بر ایران بر سر پرونده اتمی و فراخوانی بریتانیا به ائتلاف «کشورهای میانه‌رو» مسلمان در برابر ایران نیز نشان دیگری از قطب‌بندی جدید در مقابل ایران است. واشنگتن با اعمال فشار بر کشورهای عرب حوزه خلیج فارس می‌خواهد یک ائتلاف گسترده ضدایرانی را حتی اگر به قیمت راه انداختن یک جنگ بین شیعه و سنی در جهان اسلام تمام شود، تشکیل دهد. (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۵/۱۱/۲۳) در واقع تمایل سیاست خارجی آمریکا به ایجاد قطب جدید قدرت در مقابل جمهوری اسلامی و جنبش‌های آزادی‌بخش مانند حزب‌الله و حماس و هدف اصلی آن از بسیج کشورهای منطقه تحت عنوان ائتلاف کشورهای معتدل، انحراف ذهن مردم و دولت‌های منطقه از مشکل اصلی یعنی رژیم صهیونیستی است.

نتیجه‌گیری

با فروپاشی شوروی زمینه احیای توان هژمونیک آمریکا فراهم و پس از حادثه یازده سپتامبر با پیروزی در افغانستان و عراق موقعیت آن تقویت شد، لذا نومحافظه‌کاران حاکم بر این کشور سیاست هژمون‌گرایی یک‌جانبه خود را بدون توجه به قدرت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به اوج رساندند. وضعیت خاص کشورهای خاورمیانه نیز که انعکاس آن در گزارش روشنفکران و کارشناسان عرب به سازمان ملل (در سال ۲۰۰۲) مشاهده گردید، دستمایه آمریکایی‌ها برای استفاده از مشکلات منطقه برای رسیدن به اهداف توسعه‌طلبانه آن‌ها قرار گرفت. پس از اتخاذ سیاست تغییر وضع موجود، دیری نپایید که آمریکایی‌ها متوجه

۱ - BBC.Persian.com, ۱۳۸۶/۵/۸ - ۱

شدند پروژه دولت‌سازی در طرح خاورمیانه بزرگ با مانع بزرگی مواجه شد و معادلاتی در منطقه رقم خورد که نتیجه آن رشد اسلام سیاسی و بیداری اسلامی بود. از سوی دیگر با توجه به بن‌بست پیش‌آمده برای آمریکا در عراق و ناکامی در ایجاد دولت سرمشق بر مبنای دموکراسی آمریکایی و از آنجا که آن‌ها این مشکل خود را به جریان بیداری اسلامی با محوریت ایران منتسب می‌کردند، با تغییر تاکتیک و اتخاذ راهبرد سخت‌افزاری برای خروج از بن‌بست و فائق آمدن بر مشکلات خود، طرح خاورمیانه جدید را مطرح نمودند.

با توجه به نقش محوری ایران در شکل‌گیری و قدرت‌یابی بیداری اسلامی پس از موفقیت اسلام سیاسی در فرایند دموکراسی‌سازی در خاورمیانه، آمریکا و اسرائیل با بزرگ‌نمایی خطر قدرت‌یابی شیعیان در منطقه و طرح هلال شیعی، حکومت‌های عربی را با خود همراه نموده و طرح حمله به حزب‌الله لبنان را به عنوان گام نخست برای قطع بازوان منطقه‌ای ایران ساماندهی و اجرا نمودند.

نتایج خیره‌کننده مقاومت لبنان در جنگ ۳۳ روزه سبب شد هیمنه نظامی اسرائیل شکسته شده و نظامی‌گری نومحافظه‌کاران آمریکا، در فاز سخت‌افزاری خاورمیانه جدید نیز با شکست مواجه شود. علاوه بر آن، برانگیخته شدن افکار عمومی منطقه ضد رژیم صهیونیستی و حمایت‌های همه‌جانبه آمریکا از آن، آمریکا را به تغییر در سیاست‌های مبتنی بر یک‌جانبه‌گرایی و همکاری و گفتگو با سایر بازیگران وادار نمود. از سوی دیگر پس از ناکامی آمریکا و متحدین آن در تحقق اهداف خود از طریق جنگ، و افزایش تردید در کارآمدی حمله نظامی علیه ایران، هم‌اکنون آن‌ها تلاش می‌نمایند با دشمن‌تراشی و بزرگ‌جلوه دادن تهدید ایران در منطقه، به سیاست مهار و جنگ کم‌شدت با این کشور تمایل یافته و اتحادی را برای ایجاد نظام امنیتی جدید بر مبنای اتحاد کشورهای دوست و متحد آمریکا و ایجاد یک قطب جدید قدرت در منطقه با همکاری آمریکا، رژیم صهیونیستی و رژیم‌های عربی تشکیل داده و با مقاومت و بیداری اسلامی به محوریت ایران مقابله نمایند.

منابع

- ۱ - امینی، حسن، (۱۳۸۳)، تأثیر حوادث ۱۱ سپتامبر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، قم: اعتدال.
- ۲ - امینیان، بهادر (۱۳۸۶)، آمریکا و ناتو؛ پایایی و گسترش ناتو و هژمونی آمریکا، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).
- ۳ - ایکنبری، جی جان (۱۳۸۲)، تنها ابرقدرت؛ هژمونی آمریکا در قرن ۲۱، چاپ دوم، ترجمه عظیم فضلی‌پور، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۴ - پایان عصر آمریکا در خاورمیانه (۱۳۸۶)، تهران: معاونت فرهنگی ستاد مشترک سپاه؛ اداره مقابله با تهدیدهای نرم و عملیات روانی.
- ۵ - پورقیومی، ایوب (۱۳۸۷)، تأثیر جنگ ۳۳ روزه لبنان بر سیاست خاورمیانه‌ای نومحافظه‌کاران آمریکا، قم: اعتدال.
- ۶ - جانسون، چالمرز، (۱۳۸۴)، مصائب امپراتوری؛ امپریالیسم نظامی آمریکا در قرن ۲۱، ترجمه عباس کاردان و حسن سعید کلاهی خیابان، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۷ - حسینی، حسن (۱۳۸۳)، طرح خاورمیانه بزرگ‌تر؛ القاعده و قاعده در راهبرد امنیت ملی آمریکا، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۸ - دهشیار، حسین، (۱۳۸۶)، سیاست خارجی و استراتژی کلان ایالات متحده آمریکا، تهران: نشر قومس.
- ۹ - سعید، محمدقدری و سعید عبدالمنعم، (۱۳۸۵)، افکار و اسرار ۱۱ سپتامبر، ترجمه اسماعیل اقبال، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- ۱۰ - صداقت، سروش، (۱۳۸۴)، آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر؛ مفهوم امنیتی حادثه ۱۱ سپتامبر در حوزه خاورمیانه، ویراسته محمود یزدان‌فام، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۱ - کسینجر، هنری، (۱۳۸۳)، دیپلماسی آمریکا در قرن ۲۱، چاپ دوم، ترجمه ابوالقاسم

- راه‌چمنی، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۱۲ - مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، چاپ دوم تهران: انتشارات سمت.
- ۱۳ - محمدی، منوچهر، (۱۳۸۲)، استراتژی نظامی آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر، تهران: سروش.
- ۱۴ - یونسین، مجید (۱۳۸۵)، کتاب خاورمیانه ۵ ویژه اصلاحات در خاورمیانه، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۱۵ - الخمیسی، احمد (۱۳۸۵/۷/۱۶)، «سلطه بر منابع نفتی منطقه هدف آمریکا»، www.ghadiri.org، (۱۳۸۵/۷/۱۸).
- ۱۶ - امینیان، بهادر (۱۳۸۳) «آمریکا و طرح خاورمیانه بزرگ: اهداف، ابزار و مشکلات»، مجله سیاست دفاعی، شماره پیاپی ۴۸
- ۱۷ - بیگدلی، علی (۱۳۸۵/۳/۹)، «نقشه تصاحب خاورمیانه نگاهی به ماهیت استراتژی‌های آمریکا در خاورمیانه»، <http://noormags.com>، (۱۳۸۶/۸/۲۵).
- ۱۸ - پورقیومی، ایوب، ۱۳۸۶، «طرح خاورمیانه جدید؛ اهداف، چالش‌ها و موانع»، مجله سیاست دفاعی، شماره پیاپی ۶۱.
- ۱۹ - پورقیومی، ایوب (۱۳۸۷/۰۷/۲۱)، «گفتگو با طالبان؛ و مشکلات پیش‌رو» hadi.basijnews.ir، (۱۳۸۷/۰۷/۲۱).
- ۲۰ - خسروی، غلامرضا (۱۳۸۶/۲/۱۷)، «نشست شرم‌الشیخ»، www.rissna.ir، (۱۳۸۶/۹/۳۰).
- ۲۱ - خلجی، عباس (۱۳۸۲)، «رویکرد سیاست خارجی آمریکا به تروریسم»، مجله سیاست دفاعی، سال یازدهم، شماره ۴۴.
- ۲۲ - دلاورپوراقدم، مصطفی (۱۳۸۶/۲/۲۷) «حزب‌الله و مؤلفه‌های سیاست و امنیت در خاورمیانه»، www.aftab.ir، (۱۳۸۶/۵/۱۳).
- ۲۳ - دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۳)، «بررسی مقایسه‌ای راهبرد امنیتی ایالات متحده و اتحادیه اروپایی در خلیج فارس پس از ۱۱ سپتامبر»، مجله سیاست دفاعی، شماره پیاپی ۴۸.
- ۲۴ - سالمان، عبدالمالک (۱۳۸۵)، «ارزیابی پیامدهای جنگ‌افروزی اخیر اسرائیل»، خبرگزاری مهر (۱۳۸۵/۶/۱۲).
- ۲۵ - سیک، گری (۲۰۰۶/۱۱/۲۶)، «ایران مخفی و ارتباط با آمریکا»، www.roozonline.com، (۱۳۸۵/۹/۵).
- ۲۶ - کیوان‌حسینی، سیداصغر (۱۳۸۱)، «مبارزه با تروریسم و سامان‌بخشی به سیاست خارجی آمریکا»، فصلنامه سیاست خارجی، سال یازدهم، شماره ۴۰-۴۱، صص ۲-۲۳.
- ۲۷ - محمدی، مهدی (۱۳۸۷)، «پایان بازی نومحافظه‌کاران در خاورمیانه»، روزنامه کیهان، ۱۳۸۷/۲/۲۲.

- ۲۸ - مرشدی، ارسلان (۱۳۸۵/۶/۷)، «ضربه کاری حزب‌الله»، jamejamonline.ir (۱۳۸۵/۶/۷).
- ۲۹ - نصر، ولی و تکیه، ری (۱۳۸۶/۹/۲۶)، «ایران القاعده نیست»، ترجمه: فراز شهلائی، www.tabnak.ir (۱۳۸۶/۹/۲۶).
- ۳۰ - نویهض الحوت، بیان (۱۳۸۵/۵/۲۸)، «خاورمیانه جدید؛ طرح آمریکایی که محکوم به شکست است»، مترجم: ابوالقاسم کارجو لاهیجی، السفير لبنان، به نقل از: www.basirat.ir (۱۳۸۶/۵/۱۳).
- ۳۱ - هادوی، مجید (۱۳۸۶)، «فرانسه به دنبال نقش جدید در عراق»، هفته نامه صبح صادق، شماره ۳۱۵.
- ۳۲ - هاس، ن. ریچارد (۱۳۸۵)، «پایان عصر آمریکایی خاورمیانه»، ترجمه بنفشه غلامی، روزنامه ایران، ۱۳۸۵/۸/۱۱.
- ۳۳ - هاس، ن. ریچارد (نوامبر / دسامبر ۲۰۰۶)، «خاورمیانه جدید»، ترجمه مهدی کاظمی، مجله فارن افیرز، www.mydocument.ir (۳۰ مارس ۲۰۰۷).
- ۳۴ - هرش، سیمور (۱۳۸۵)، «تغییر جهت»، نشریه نیویورکر، به نقل از: واحد مرکزی خبر (۱۳۸۵/۱۲/۲۶).
- ۳۵ - چامسکی، نوام. استاد بازنشسته دپارتمان فلسفه و زبان‌شناسی مؤسسه تکنولوژی ماساچوست آمریکا، اینترنشنال نیوز، «افکار جنون‌آمیزی بر وزارت دفاع آمریکا حاکم است»، به نقل از: خبرگزاری مهر، (۱۳۸۵/۱۲/۶).
- ۳۶ - خبرگزاری رویترز (۱۳۸۵/۱۱/۳۰).
- ۳۷ - خبرگزاری مهر (۱۳۸۵/۱۱/۲۳).
- ۳۸ - رایس، کاندولیزا. وزیر خارجه آمریکا، شبکه العربی، «اعتراف به ناکارآمدی سیاست آمریکا در مقابل ایران» (۱۹ فوریه ۲۰۰۷)، به نقل از: روزنامه کیهان، (۱۳۸۵/۱۱/۳۰).
- ۳۹ - نشریه اخبار و تحلیل‌ها، معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در مجتمع دانشگاهی شهید مطهری بسیج، شماره ۸۲، (۱۳۸۶/۵/۹).
- ۴۰ - هرش، سیمور. خبرنگار نشریه نیویورکر، «سیاست دوگانه واشنگتن باعث پیچیدگی اوضاع خاورمیانه می‌شود»، به نقل از خبرگزاری مهر (۱۳۸۶/۳/۸).
- ۴۱ - بیگدلی، ۱۳۸۵، <http://noormages.com>.
- ۴۲ - پورقیومی، ایوب، ۱۳۸۷، <http://basijnews.ir>.
- ۴۳ - مرشدی، ۱۳۸۵، <http://jamejamonline.ir>.
- ۴۴ - دلاورپوراقدام، ۱۳۸۶، <http://aftab.ir>.
- ۴۵ - هاس، ریچارد، www.mydocument.ir.

۴۶ - خسروی، ۱۳۸۶، www.rissna.ir.

- 47 - Goldberg, Jeffrey (January/February 2008) "After Iraq"
www.theatlantic.com/doc/200801/goldberg-mideast (14/11/1386).
- 48 - Hersh, Seymour (2006) Washington's interests in Israel's war, august 21, 2006,
www.newyorker.com/archive/2006/08/21/060821fa_fact?Printable=true.
- 49 - Peters, Ralph (2006) Blood borders how a better Middle East would look,
www.armedforcesjournal.com/2006/06/1833899.
- 50 - <http://kayhannews.ir/870822/16.htm#other1609>.
- 51 - www.antiwar.ir (15/8/1385).
- 52 - www.bbcpersian.com (8/5/1386).
- 53 - www.akhbar-rooz.com/article.jsp?essayId=8527.
- 54 - www.etemaad.com (2/7/1386).
- 55 - www.kaariz.com (23/1/1386).
- 56 - www.mehrnews.ir (20/1/1386).

